



پیشرفت و مبانی آن از نگاه علما و اندیشمندان

فائزه فلاطونی

برای بررسی مفهوم و مبانی پیشرفت، نگاهی به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های چهار عالم نامدار معاصر انداختیم تا از این رهگذر، مفهوم پیشرفت و توسعه مشخص شود. مقاله حاضر، بررسی دیدگاه‌ها و نظرات حضرات آیات شهید مطهری، شهید بهشتی، مکارم شیرازی و جوادی آملی است.

اشاره

حال پیشرفت است؛ ولی نمی‌گوییم در حال تکامل است، چرا؟ برای این که در مفهوم تکامل، تعالی خوابیده است؛ یعنی تکامل حرکت است؛ اما حرکت رو به بالا و عمودی. تکامل، حرکت از سطحی به سطح بالاتر است؛ ولی پیشرفت در یک سطح افقی هم درست است. سپاهی که سرزمینی را اشغال کرده است وقتی قسمت دیگری را بر متصرفات خودش اضافه می‌کند، می‌گوییم پیشروی کرده است؛ یعنی در همان سطحی که بوده مقدار دیگری به قلمروی خودش افزوده است. چرا این جا نمی‌گوییم تکامل؟ برای این که در تکامل، تعالی خوابیده است. پس وقتی که ما می‌گوییم تکامل اجتماعی، در مفهومش تعالی انسان از نظر اجتماعی است نه صرف پیشرفت. ای بسا چیزها که برای انسان و جامعه‌ی انسان پیشرفت باشد ولی برای جامعه‌ی انسانی تکامل و تعالی شمرده نشود.



آیت‌الله شهید مطهری

فرق تکامل و پیشرفت

آیا پیشرفت همان تکامل است و تکامل همان پیشرفت است؟ اتفاقاً این‌ها هم با یکدیگر تفاوت دارند. شما موارد استعمال را ببینید. ما درباره‌ی یک بیماری می‌گوییم این بیماری در حال پیشرفت است؛ ولی نمی‌گوییم در حال تکامل است. اگر سپاهی در سرزمینی بجنگد و قسمتی از سرزمین دشمن را تصرف کند می‌گوییم فلان لشکر در

پیشرفت و ترقی در زندگی، مطلوب و ممدوح است؛ اما...

پیشرفت و ترقی در زندگی، مطلوب و ممدوح است و از نظر قانون اسلام لاقیدی و کل بر مردم شدن حرام است، احقاق حقوق و دفع ظلم واجب است. بشر امروز از لحاظ تمدن و تسخیر قوای طبیعت با بشر اعصار گذشته قابل مقایسه نیست؛ لکن متأسفانه از لحاظ نتیجه‌ای که از همه‌ی این‌ها باید عاید شود فرقی نکرده، بلکه چندین مرحله عقب‌تر رفته، همین ابزار و آلات که باید وسیله‌ی رفاه و آسایش باشد موجب بیچارگی، بدبختی و نگرانی شده. این‌ها همه از آن جهت است که در قسمت‌های روحی و اخلاقی عقب‌نشینی کرده. اساساً اگر نیروی روحی و اخلاقی موجود نباشد، تمدن نیز پیشرفت نخواهد کرد. اگر به تاریخ مراجعه شود روشن می‌شود که مخترعین، مکتشفین بزرگ، علما، فلاسفه، مصلحین، ادبا، نویسندگان، شعرای عالی مقام و تمام آن کسانی که به پیشرفت مدنیت کمک کرده‌اند و آثار سودمندی از خود باقی گذاشته‌اند همان‌ها هستند که از دایره‌ی هوا و هوس قدم بیرون گذاشته‌اند و پایبند اصول اخلاقی بوده‌اند؛ بنابراین چه از لحاظ آسایش فردی و چه از لحاظ مدنیت اجتماعی، اخلاق صالح لازم است.



آیت‌الله شهید دکتر بهشتی

پیشرفت؛ یعنی خداگونه شدن انسان‌ها

اقتصاد، وسیله است نه هدف. صنعت، کشاورزی، دامداری، پزشکی و بهداشت ما البته باید خوب باشد. بازرگانی و نظام بانکی باید خوب کار بکند، همه‌ی این‌ها لازم است؛ ولی این‌ها به عنوان هدف مطرح نیست، بلکه به عنوان وسیله مطرح است. وسیله برای چه؟ وسیله برای این که انسان‌های این جامعه در راه خداجویی، در راه عشق به حق، عشق به کمال و عشق به خدا باشند و از همه‌ی امکانات اقتصادی و رفاهی برای آن استفاده شود که انسان‌ها روز به روز خداگونه‌تر شوند.

تمسک به اسلام؛ شرط پیشرفت و کمال

اسلام، آیین انسان و انسانیت و صراط مستقیم و راه راست انسان زیستن است و به همین جهت به همه‌ی جوانب هستی انسان عنایت دارد و هیچ‌گاه در قالب نگرش‌ها و برداشت‌های تک بعدی نمی‌شود اسلام را یافت.

پیشرفت؛ یکی از گمراه‌کننده‌ترین حرف‌ها نمی‌شود کمال را در علم، آن هم علم طبیعی و در فن و تکنولوژی [خلاصه کرد] و دائم گفت: پیشرفت. یکی از گمراه‌کننده‌ترین حرف‌ها همین مسئله‌ی «پیشرفت» و «ملت‌های پیشرفته» است و پیشرفتگی را هم ما در ابزار خلاصه می‌کنیم. روی این حساب، انسان خودش دیگر وجود ندارد، فقط مسئله‌ی ابزار مطرح است.

کمال و پیشرفت

آیا کمال و پیشرفت مفهوم‌های مساوی دارند؟ البته نه. هر تکاملی پیشرفت هست اما هر پیشرفتی تکامل نیست. اگر یک سپاه در سرزمینی بجنگد و قسمتی از سرزمینی که در اشغال دشمن است بگیرد، گفته می‌شود آن سپاه در حال پیشروی است، گفته نمی‌شود در حال تکامل است، هم‌چنان که درباره‌ی یک بیماری؛ مثلاً سرطان یا سل گفته می‌شود در حال پیشروی است و گفته نمی‌شود در حال تکامل است، چرا؟ برای این که در مفهوم تکامل، تعالی خوابیده است برخلاف مفهوم پیشرفت که در مورد یک گسترش افقی و هم‌سطح هم صادق است. از این جا معلوم می‌شود که ممکن است جامعه‌ای پیشرفت کرده باشد؛ ولی تکامل نیافته باشد و هم‌چنین است کلمه‌ی توسعه.

با لذت و کامیابی نمی‌توان به پیشرفت رسید

درابتدا این طور به نظر می‌رسد که یگانه راه جلب آسایش و فرار از ناراحتی، جمع کردن و گردآوردن اسباب و لوازم و مواد خارجی است؛ بنابراین بسیاری از مردم تمام نیروی خویش را صرف همین کار می‌کنند و به چیز دیگری نمی‌پردازند و این طور گمان می‌کنند که هر اندازه وسایل، فراهم‌تر و زیادتر باشد لذت و کامیابی زیادتر خواهد بود و به هر نسبت که از میزان وسایل کسر شود، به همان نسبت از سعادتشان کسر می‌شود؛ اما این نظریه یک نظریه‌ی ابتدایی و کودکانه است. البته جای تردید نیست که انسان برای ادامه‌ی حیات خویش به خارج نیازمند است و مواد خارجی در ایجاد آسایش و لذت برای انسان دخیل‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «آن چه در زمین از نعمت‌ها و موهبت‌ها خلق شده، برای استفاده کردن و بهره بردن شماست.» به علاوه پیشرفت در زندگی و تکمیل ابزار و اسباب آن نیز مطلوب و ممدوح است؛ اما این گمان نیز که تنها با گرد آوردن وسایل و مواد بی‌روح می‌توان سعادت و آسایش را تأمین کرد غلط است.

هر تکاملی پیشرفت هست

اما هر پیشرفتی تکامل

نیست. اگر یک سپاه در

سرزمینی بجنگد و قسمتی

از سرزمینی که در اشغال

دشمن است بگیرد،

گفته می‌شود آن سپاه

در حال پیشروی است،

گفته نمی‌شود در حال

تکامل است، هم‌چنان که

درباره‌ی یک بیماری؛

مثلاً سرطان یا سل گفته

می‌شود در حال پیشروی

است و گفته نمی‌شود در

حال تکامل است، چرا؟

برای این که در مفهوم

تکامل، تعالی خوابیده

است برخلاف مفهوم

پیشرفت که در مورد یک

گسترش افقی و هم‌سطح

هم صادق است.

اسلام به کمال و ترقی همه‌ی انسان‌ها توجه دارد

انسان مسلمان از آن لحظه‌ای که به اسلام ایمان می‌آورد، اسلام، برایش دین آزاد کردن خود و دیگران است. اسلام، دینی نیست که بگوید من مسلمان هستم و خودم را می‌خواهم آزاد کنم و در پی سعادت خودم هستم. اسلام، دین خودمحوری، خودبینی، خودطلبی، خودخواهی و خودجویی نیست. اسلام، دین خداجویی است، خدای همه جهانیان، خصلت اسلامی یک فرد مسلمان، طبیعت مسلمانی یک آدم مسلمان، این‌گونه ایجاد می‌کند که بگوید آرمان من سعادت جهانیان است. هدف من رفاه، سلامت، خوش‌بختی، آزادی، عدل، صفا، دوستی، معنویت، کمال و کمال‌یابی همه‌ی انسان‌هاست.

زمان ما زمان توسعه است

زمان ما زمان توسعه است. زمان جهانی شدن است. زمان به‌وجود آمدن امکانات فنی و اجتماعی توسعه‌یاز. انجیل و تورات و صحف ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و نوح علیه السلام قطعاً بریدگی (تاریخی) دارد؛ اما این یک واقعیت عینی تاریخی است و اصلاً جنبه‌ی مذهبی ندارد. این که عرض می‌کنم، این یک مسئله‌ی تحلیلی تاریخی عینی است. قرآن در عصری آمده که پیوستگی تاریخی‌اش با عنصر توسعه و گسترش جهانی محفوظ مانده است.

خاتمیت اسلام چیزی جز توسعه‌ی دینی نیست

در حقیقت خاتمیت اسلام چیزی جز توسعه‌ی دینی نیست. اسلام دین خاتم است و ماورای آن به آیینی نیاز نیست؛ چرا که دینی می‌تواند برای همیشه بماند که کتابش دست نخورده مانده باشد و به شهادت تحقیق تاریخی تنها آیینی که کتابش دست نخورده و تحریف نشده باقی مانده است، آیین اسلام است. مشکل قانون ثابت و شرایط اجتماعی متغیر در مورد اسلام معنا ندارد؛ برای این که اصول و تطبیق و انطباق آن‌ها نسبت به شرایط تطور یافته‌ی زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عصر حضور، کار امامان معصوم علیهم السلام است، در عصر غیبت کار دانشمندان مسلمان برجسته و متخصص است و به طور مشخص کار برجسته‌ترین نایب عام حضرتش یعنی ولی فقیه.

مملکت هزار فامیل یعنی ضدیت با پیشرفت

دیگر ما مملکت هزار فامیل نخواهیم داشت. هرم جامعه‌ی ما میدان و فضای باز برای تکامل و پیشرفت و کمال‌یابی انسان‌هاست. هر فرد انسانی خودش را در این هرم شناور می‌بیند و در این شنآوری ممکن است کسی که آن بالا قرار گرفته آرام آرام عقب بماند؛ پایین بیاید، پایین بیاید، تا قاعده‌ی هرم؛ کسی که در قاعده‌ی هرم

قرار گرفته سریع و شتابان شنا کند، حرکت کند و تا رأس هرم بالا برود. هرم جامعه‌ی ما نشان دهنده‌ی یک جامعه‌ی آزاد است. آزاد برای کمال‌یابی انسان؛ آزاد برای سیر الی الله.

رفع تنگنایهای مصنوعی اقتصادی برای حرکت به سوی کمال

ما باید جامعه را از تنگنایهای مصنوعی اقتصادی آزاد کنیم. امروز در این جامعه تنگنایهای مصنوعی اقتصادی برای روستائیان، برای کارگران، برای کارمندان جزء دولت، برای آموزگاران و معلمان و برای بسیاری از افراد دیگر به شکل باز دارنده و سرگرم‌کننده درآمده و نمی‌گذارد آن‌ها و خانواده‌ی ایشان آسوده خاطر از این نیازهای اولیه در مسیر کمال قرار گیرند. ما باید این تنگناها را از بین ببریم.

همین انقلاب شمارا به سمت کمال رهنمون می‌کند

خواهران، جوانان، برادران، نوجوانان، نوجوانان دختر و پسر! باور کنید آن چه شما در جهت کمال معنوی و مادی و اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی و عدل اقتصادی - که ما به آن سخت اهمیت داده‌ایم و می‌دهیم - می‌خواهید، در همین انقلاب اسلامی در دسترس شماست.

خط انقلاب خط پیشرفت و کمال است

خط انقلاب که این استقلال را برای ما به ارمغان آورده خط اسلام است. ما این خط را ادامه می‌دهیم و جلو می‌رویم. من متواضعانه و هشیارانه به شما اطمینان می‌دهم که پایان این صراط مستقیم سعادت دنیا و آخرت است.

مدیر متعدد و متخصص جامعه را به سمت کمال می‌برد

مدیر بد بیش از رفیق بد روی کارکنان اثر می‌گذارد. «أَلْتَأَسُّ عَلٰی دَیْنٍ مُّلُوكِهِمْ». مردم به آن بالاها نگاه می‌کنند. این یک واقعیت است. این که ما در مسئله‌ی امامت این همه مته به خشخاش می‌گذاریم و می‌گوییم امامت و رهبری باید از آن کسانی باشد که آن خصلت‌های متعالی را داشته باشند، [برای همین است.] در چنین جامعه‌ای دیگر نمی‌توان اول به تخصص بها داد. تخصص بها دارد، ولی بهای درجه دو. مکتب در درجه اول قرار دارد؛ بنابراین اگر می‌خواهیم مدیر کارخانه انتخاب کنیم، مهندس مسئول ماشین آلات کارخانه انتخاب کنیم، اول می‌پرسیم که آیا عرق‌خور، فاسد، قمارباز، دروغ‌گو، فرعون‌صفت، متکبر و مردم آزار نیست؟ انسان دوست است، پاک است، چشم پاک است، نماز می‌خواند، دلش با خداست؟ وقتی در کارخانه می‌آید کارگرها با دیدن او به یاد خدا می‌افتند؟ اول این‌ها را می‌پرسیم، اگر گفتند خوب است، می‌گوییم حال کاردانی او چه طور است؟ این کار را بلد است؟ از این ماشین آلات اطلاع درستی دارد؟ سابقه کار دارد؟ تجربه دارد؟ زرتنگ و پرکار هست؟ این‌ها را هم می‌پرسیم. اگر نتیجه مثبت بود، او را به کار دعوت می‌کنیم. می‌بینید که اصلاً شیوه‌ی انتخاب عوض می‌شود. در جامعه‌هایی که مکتب الهی، شکل و جهت آن جامعه را تعیین می‌کند، در انتخاب افراد برای سمت‌ها و کارها،

پرسش اول از پای‌بندی این افراد به آن مکتب الهی و پرسش دوم از وارد بودن او و تخصص او و مهارت او است و این مطلب، مطلبی روشن است.



آیت‌الله مکارم شیرازی

لزوم ارائه‌ی تعریفی تازه از الگوی پیشرفت

باید تعریفی تازه از الگوی پیشرفت ارائه داد. الگویی که در آن، از یک سو به اسم عدالت، توانمندی‌های مادی و افزایش ثروت عمومی نادیده گرفته نشود و از سوی دیگر به نام توسعه از عدالت صرف نظر نشود و فراتر از همه این‌ها، سعادت بشری در زیر چرخ دنده‌های صنعت و توسعه و رشد و رفاه و مانند آن از بین نرود.

علت عدم موفقیت دولت‌های رفاه‌گرا

دولت‌هایی که با شعار دولت رفاه، گروهی را مجذوب خود ساخته‌اند، دچار چالش‌های تازه‌ای شده و موفق به حل همه جانبه‌ی مشکلات نشدند. علت اصلی این ناکامی‌ها، نادیده انگاشتن ارزش‌های معنوی و بیرون راندن آن از محیط توسعه و پیشرفت است و به تعبیر دیگر، غفلت از نقش پروردگار در زندگی بشر و فراموشی سعادت جاودان است. دنیای مادی با یک چشم و آن هم تنها با چشم مادی و لذت جویی حداکثری، به زندگی نگاه می‌کند و این، جز یک زندگی خسته کننده و تکراری رهاوردی نخواهد داشت.

منفعت‌طلبی میوه‌ای جز شکاف طبقاتی ندارد

پر واضح است در محیطی که با لذت جویی، منفعت‌طلبی، سودپرستی و مصرف‌گرایی آبیاری می‌گردد، میوه‌ای جز تبعیض، شکاف طبقاتی و آسیب‌های اجتماعی نخواهد روید. این جاست که باید صاحب‌نظران، الگوی جامع اسلام را در پیشرفت تدوین کنند؛ نخست در ایران اسلامی به درستی اجرا نمایند، سپس آن را به دنیا به ویژه جهان اسلام عرضه کنند.

اصول ده‌گانه‌ی پیشرفت

بدون شک علم و آگاهی کافی، برنامه‌ریزی دقیق، فراهم ساختن ابزار لازم، مدیریت قوی، پرهیز از کارهای تکراری، تلاش در مسیر نوآوری، همت بالا، شجاعت و اراده‌ی قوی، توجه دقیق به ارزش‌های

انسانی و اسلامی و سرانجام توکل بر خدا در سایه‌ی ایمان و تقوا تأثیر فوق‌العاده‌ای در پیشرفت دارد.

علت پیشرفت سریع اسلام در جهان

دانشمندان غربی می‌گویند که اسلام با سرعت زیادی در غرب و شرق دنیا رواج پیدا کرد، این دانشمندان علت پیشرفت سریع اسلام در جهان را نمی‌دانند. براساس روایات، سادگی زندگی و داشتن یقین موجب پیشرفت سریع اسلام شد، مسلمانان در جنگ‌های صدر اسلام احساس شکست نمی‌کردند و در دوران دفاع مقدس نیز شاهد بودیم که جوانان با ایمان و یقین دشمن را شکست دادند.

پیشرفت اسلام به ایمان و زندگی زاهدانه است

اسلام در آغاز، پیشرفت سریعی کرد، یک قرن گذشته بود که شرق و غرب عالم را فرا گرفت. بعضی از موررخین شرقی و غربی معتقدند، این قضیه معما است؛ اما معتقدم باید از پیامبر اسلام ﷺ مسئله‌ی پیشرفت اسلام را پرسید، نه این که از شرقی‌ها و غربی‌ها پرسیم. پیامبر ﷺ فرمودند: «عامل پیشرفت، یقین و داشتن زندگی ساده و زهد بود.» زهد به معنای این است که زندگی و مراسم عقد آبرومند و خالی از تشریفات باشد. امروز باید این دو عامل را حفظ کرد. اگر این موارد حفظ شود بر دشمن غلبه پیدا می‌کنیم؛ اما اگر وارد فضای کثیف مجازی شدیم، ایمان و یقین ضعیف و زندگی تشریفاتی شد، دیگر پیشرفتی برای اسلام نخواهد بود.

توسعه و پیشرفت در سایه‌ی امنیت

امنیت پایه‌ی اصلی هر کشور است و حرف اول را می‌زند، توسعه و پیشرفت در سایه‌ی این امر امکان‌پذیر است.

توکل به خدا عامل پیشرفت انسان‌ها

انسانی که بر خدا توکل دارد هرگز احساس حقارت و ضعف نمی‌کند بلکه به اتکای لطف خدا و علم و قدرت بی‌پایان او خود را پیروز و فاتح می‌بیند و حتی شکست‌های منطقی او را مایوس نمی‌سازد. هرگاه توکل به مفهوم صحیح کلمه در جان انسان پیاده شود به یقین امیدآفرین و باعث تقویت اراده و تحکیم مقاومت و پای‌مردی است. مسئله‌ی توکل در زندگی انبیای بزرگ الهی درخشش فوق‌العاده‌ای دارد، بررسی آیات قرآنی در این زمینه نشان می‌دهد که آن‌ها همیشه در برابر مشکلات طاقت‌فرسا خود را زیر سپر توکل قرار می‌دادند و یکی از دلایل مهم پیروزی آن‌ها داشتن همین فضیلت اخلاقی بوده است.

بدون شک علم و آگاهی

کافی، برنامه‌ریزی دقیق،

فراهم ساختن ابزار لازم،

مدیریت قوی، پرهیز از

کارهای تکراری، تلاش

در مسیر نوآوری، همت

بالا، شجاعت و اراده‌ی

قوی، توجه دقیق به

ارزش‌های انسانی و

اسلامی و سرانجام توکل

بر خدا در سایه‌ی ایمان و

تقوا تأثیر فوق‌العاده‌ای در

پیشرفت دارد.

انسان بدون صبر و استقامت به پیشرفت نمی‌رسد

طبیعت زندگی دنیا این است که با موانع و مشکلات و آفات همراه است. در مسیر انجام بایدها و نبایدها اغلب مشکلاتی است که اگر انسان از آن نگذرد، به مقصد نمی‌رسد. در ضمن، همیشه آفات و مصائبی در کمین نعمت‌هاست که باعث از دست دادن آن‌ها می‌شود، مصائبی در اموال و انفس و عزیزان و دوستان و مواهب دیگر. انسان بدون صبر و استقامت، هم در جهات مثبت به جایی نمی‌رسد و هم در برابر عوامل منفی و قادر به ایستادگی نیست؛ به همین دلیل کلید اصلی پیروزی‌ها، صبر و شکیبایی است و از آن جا که دین مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست، اطاعات و ترک معاصی، بدون صبر و استقامت بقا و دوامی ندارد؛ زیرا طبق بیان گذشته، صبر در برابر ایمان، همانند سر نسبت به بدن است.

شناخت نفس؛ عامل یافتن استعدادها و انسان

انسان از طریق خودشناسی به کرامت نفس و عظمت این خلقت بزرگ الهی و اهمّیت روح آدمی که پرتوی از انوار الهی و نفع‌های از نفعات ربّانی است پی می‌برد؛ آری! درک می‌کند که این گوهر گران‌بها را نباید به ثمن و بهای ناچیز فروخت و به آسانی از دست داد. انسان با شناخت خویشتن به خطرات هوای نفس و انگیزه‌های شهوت و تضاد آن‌ها با سعادت او پی می‌برد و برای مقابله با آن‌ها آماده می‌شود. بدیهی است کسی که خود را شناسد از وجود این انگیزه‌ها بی‌خبر می‌ماند و شبیه کسی است که گرداگرد او را دشمن گرفته؛ اما او از وجود آنان غافل و بی‌خبر است؛ طبیعی است که چنین کسی خود را آماده‌ی مقابله با دشمن نمی‌کند و سرانجام ضربات سنگینی از سوی دشمن دریافت می‌دارد. انسان با شناخت نفس خویش به استعدادها و گوناگونی که برای پیشرفت و ترقی از سوی خداوند در وجود او نهفته شده است پی می‌برد و تشویق می‌شود که برای پرورش این استعدادها بکوشد و آن‌ها را شکوفا سازد؛ گنج‌های درون جان خویش را استخراج کند و گوهر خود را هویدا سازد.

اسوه‌ها و الگوها؛ یکی از راه‌های رسیدن به پیشرفت

هر کس در زندگی خود، اسوه و پیشوایی دارد که سعی می‌کند خود را به او نزدیک سازد و پرتوی از صفات او را در درون جان خود ببیند؛ به تعبیر دیگر درون دل انسان جایی برای اسوه‌ها و قهرمان‌ها است؛ به همین دلیل تمام ملت‌های جهان در تاریخ خود به قهرمانان واقعی و گاه پنداری متوسل می‌شوند و بخشی از فرهنگ و تاریخ خود را بر اساس وجود آن‌ها بنا می‌کنند؛ در مجالس خود

از آن‌ها سخن می‌گویند و آن‌ها را می‌ستایند و سعی می‌کنند خود را از نظر صفات و روحیات به آن‌ها نزدیک سازند.



آیت‌الله جوادی آملی

معنای پیشرفت یا توسعه

پیشرفت یا توسعه «فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی می‌باشد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد.»

دو اصل مهم در مسئله‌ی پیشرفت

اصل اول این است که ما برای جوامع بشر الگو باشیم و اصل دوم نیز آن است که الگو بودن به این است که ما خود، خدا و رابطه‌ی بین خود و خدای خود را بشناسیم.

دو عامل پیشرفت انسان از نگاه قرآن

بر اساس آموزه‌های قرآنی پیشرفت انسان معلول رشد علمی و رشد عملی است، جامعه‌ای که خوب بفهمد و فهمیده‌ها را خوب عمل کند پیشرفت می‌کند، رشد علمی به ایمان بر می‌گردد و رشد عملی به عمل صالح و در قرآن کریم ایمان و عمل صالح دو رکن پیشرفت هستند.

جامعه‌ی پیشرفته از نگاه قرآن

بر اساس بینش قرآنی و جهان‌بینی که قرآن ارائه می‌دهد، پیشرفت جوامع و انسان‌ها در پیشرفت فکری و اعتقادی و علمی است که از حق سرچشمه گرفته باشد و اساس آن را اعتقادات صحیح تشکیل دهد و در عمل در چارچوب آموزه‌های دینی عمل کند. چنین جامعه‌ای در همه‌ی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی پیشرفت خواهد کرد.

دیگران موجب پیشرفت ما نمی‌شوند

تا چه زمانی باید منتظر باشیم تا قدرت‌های غربی با اعمال نفوذ بر ما، اهداف و توانایی ایران را کم‌رنگ جلوه دهند و اگر به فکر این هستیم که دیگران موجب پیشرفت شما شوند، اشتباه است.

پیشرفت را سرلوحه‌ی کار قرار دهید

امروز باید برای رشد و توسعه کشور کوشش کرد و پیشرفت را سرلوحه‌ی کار قرار داد؛ زیرا ایران کشوری با سابقه است و ظرفیت تربیت دانشمندان فعال و موفق را دارد.

کمالی نیست که مرد بتواند پیشرفت کند و زن نتواند

زن‌های جامعه اگر اصلاح شوند، مردان هم اصلاح می‌شوند، آن

وقت جمال و کمالش در این نیست که بخواهد برود خودنمایی کند. یک مادر خوب می‌تواند فرزندداری کند و همسر و جامعه را اداره کند، ذات اقدس الهی این را مظهر رحمت قرار داد و کمالی نیست که مرد بتواند پیشرفت کند و زن نتواند.

دو نوع توسعه از نگاه اسلام

اسلام توسعه را کاملاً ترغیب و تشویق کرده است؛ منتهی توسعه در اسلام دارای دو نوع متفاوت است. یک نوع، توسعه‌ی تکاثری است که اسلام در همه‌جا آن را مذمت کرده است و یک نوع دیگر، توسعه‌ی کوثری است که اسلام در همه‌جا از آن حمایت کرده است. توسعه‌ی کوثری آن است که «پایدار» و «همه‌جانبه» باشد. معنای پایدار آن است که نسل آینده را هم در نظر داشته باشد؛ مثلاً باید مشخص شود آن چه که در کشور وجود دارد، کدام سرمایه است و کدام درآمد؟

شاخصه‌های توسعه‌ی کوثری

شاخصه‌ی اول این است که بفهمیم سرمایه چیست و سود کدام است؟ باید سرمایه را کاملاً حفظ کرد و راه ایجاد درآمد را دانست؛ بعد از استحصال درآمد، آن را هم در داخل و هم در خارج عرضه کرد تا نیاز کشور تأمین شود. شاخصه‌ی دوم آن است که توسعه، همه‌جانبه و پایدار و در طول و برای همه نسل‌ها باشد و نه در عرض و برای یک نسل.

معیار پیشرفت و انحطاط در جهان‌بینی قرآنی

قرآن در تفسیر انحطاط و ترقی سبک خاصی دارد که با جهان‌بینی و بینش آن هماهنگ است. از دیدگاه قرآن کسانی که بینش مادی دارند پیشرفت را از نظر اقتصادی به پیشرفت اقتصادی و رفاهی و از نظر سیاسی به سیاست‌بازی می‌دانند؛ از باب مثال وقتی که ادعای پیشرفت و پیروزی آل‌فرعون را مطرح می‌کنند پیروزی و پیشرفت را در سیاست‌بازی آن می‌دانند و گفته‌ی آن‌ها را چنین نقل می‌کند: «قد افلح الیوم من استعلا؛ هر که اهل استعلا و برتری‌طلبی بود به فلاح و رستگاری می‌رسد.» وقتی پیشرفت مالی و اقتصادی را مطرح می‌کند می‌فرماید: «ان تکون امه اریبی من امه؛ تمام تلاششان گروهی آن است که از نظر مسائل رفاهی و مالی برجسته‌تر از دیگران باشد.» از ثروتی برخوردار باشند که برجستگی خود را با آن نشان دهند. این گروه با این ویژگی‌ها در برابر انبیا می‌ایستند و با آن‌ها مبارزه می‌کنند گرچه در مبارزه‌ی خود شکست خوردند؛ یعنی این دسته

با همه‌ی امکانات مالی و با همه‌ی مکر و فریب و تزویر سقوط کردند. قرآن می‌فرماید: «وکم اهلکنا قبلهم من قرن هم احسن ااثا و رثیا.» ما بسیاری را پیش از این هلاک کردیم که هم از نظر ااثات و لوازم خانگی از لوازم بیشتری برخوردار بودند و هم از نظر برخورداری از مال و ثروت چشم‌گیرتر بودند، افرادی که در دید مردم، پیشرفته بودند و با چشم‌گیر بودن، مردم را متوجه خودشان می‌کردند و به عبارت دیگر: در گذشته عده‌ای بودند که از نظر ااثات و لوازم زندگی از زیبایی برخوردار بودند و هم به لحاظ مالی در معرض رؤیت مردم بودند؛ اما با وجود این هلاک شدند و این امکانات و ثروت آن‌ها را از سقوط و هلاکت حفظ نکرد. با این بیان روشن می‌شود که سعادت و پیشرفت انسانی در گروهی مال و ثروت و داشتن لوازم منزل زیبا نیست. برخورداری از این امور مشکل انسان را حل نمی‌کند.

نقش عوامل طبیعی در پیشرفت جوامع

یکی از مسائلی که در پیشرفت جوامع مؤثر است، شرایط طبیعی است که آدمی در آن زندگی می‌کند. اگر محیط طبیعی از سلامت و امکانات طبیعی مناسب برخوردار باشد پیشرفت می‌کند؛ از این‌رو لازم است برای زندگی سرزمینی را انتخاب کند که از شرایط خوبی برخوردار باشد، امام صادق علیه السلام فرمود: «سرزمینی را برای زندگی انتخاب کنید که وجود سه اصل طبیعی را در آن احراز کرده باشید.» «لاتطیب السکنی الا بثلاث: الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الارض الخواره.» زندگی در یک شهر و روستا وقتی گوارا است که اولاً مردم آن منطقه دارای هوای سالم بوده و از سلامت محیط زیست برخوردار باشند، زندگی بدون هوای سالم و پاکیزه گوارا نیست، ثانیاً آب فراوان خوش‌گوار داشته باشند و ثالثاً زمینی داشته باشند که نرم بوده و برای باغداری و کشاورزی و مانند آن آماده باشد.

اصول انسانی پیشرفت

امام صادق علیه السلام در کنار اصول سه‌گانه‌ی طبیعی به سه اصل انسانی اشاره کرده است که جامعه برای بقا و دوام نیازمند به آن سه اصل است: «لا یستغنی اهل کل بلد عن ثلاثه یفزع فی امر دنیاهم و آخرتهم فان عدموا ذلک کانوا همجا، فقیه عالم و رع، و امیر خیر مطاع و طیب بصیر ثقة.» هر شهری و کشوری نیاز به سرکرده است تا مردم در امور دنیوی و اخروی خود به آن‌ها پناه ببرند و حل مشکلات خود را از آن‌ها درخواست کنند به گونه‌ای که اگر آن جامعه

اسلام توسعه را کاملاً

ترغیب و تشویق کرده

است؛ منتهی توسعه در

اسلام دارای دو نوع

متفاوت است. یک نوع،

توسعه‌ی تکاثری است

که اسلام در همه‌جا آن

را مذمت کرده است و

یک نوع دیگر، توسعه‌ی

کوثری است که اسلام

در همه‌جا از آن حمایت

کرده است.

فاقد این عناصر سه گانه باشد زندگی آن‌ها انسانی نبوده و از خیر بهره‌ای ندارند اول داشتن فقه‌های آگاه، مدیر، مدبر، وارسته و پارسا، فقه‌های دین‌شناس دین‌دار، دوم: فرمان‌روایان و مسئولین سیاسی که هم در بینش هوشمندانه مسائل را تحلیل کنند و هم خیرخواه جامعه باشند و سوم: پزشک حاذقی که مورد وثوق جامعه باشد، هم از نظر فن پزشکی از تخصص برخوردار و هم به لحاظ امانت‌داری مورد اعتماد مردم باشد.

عوامل پیشرفت و سقوط از منظر

امام علی علیه السلام

علل پیشرفت یک امت و نشانه‌های سقوط در بیانی از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز تبیین شده است که به آن اشاره می‌شود حضرت فرمود: «یستدل علی ادبار الدول باریع تضييع الاصول، والتمسك بالغرور، تقدیم الاراذل و تأخیر الافاضل.»؛ دولت‌ها و جوامع زمانی به انحطاط گرایش پیدا می‌کنند که اصول ارزشی از بین برود و نیرنگ به عنوان اصل ارزشی مورد قبول قرار گیرد، فرومایگان سمت‌ها و مسئولیت‌ها را به عهده گیرند و کسانی که فاضلند منزوی شوند؛ بنابراین اگر انسان با مطالعه دریافت که اصول ارزشی در جامعه تضييع شده و تباه گردیده و نیرنگ و غرور و فریب جای آن را گرفته و همچنین اگر پست‌های حساس جامعه در اختیار فرومایگان قرار گرفته و انسان‌های فاضل و شریف از تصدی آن مشاغل محرومند، می‌تواند استدلال کند که آن جامعه به سوی سقوط و انحطاط می‌رود و اگر یافت که اصول ارزشی بر ارکان جامعه حاکم است، صداقت و امانت‌داری و تلاش و کوشش و عدالت و آزادی در آن جامعه برجسته است و انسان‌های شریف و فاضل مسئولیت‌های گوناگون را به عهده دارند آن جامعه پیشرفت خواهد کرد.

خروج از خودبینی؛ شرط مهم پیشرفت

یکی از عوامل پیشرفت بشریت این است که از خودبینی خارج شده و به ما برسند. هم‌فکری، وحدت، وفاق و همدلی هم سبب عزت خود و هم سبب پیشرفت منطقه، بخش، شهرستان و کشور می‌شود.

دو شرط لازم برای انتخاب مدیران

انتخاب مدیرانی می‌تواند عامل پیشرفت و موفقیت زیادی شود که یکی دارای توان و قدرت و عالم به همه‌ی امور مرتبط به حوزه مسئولیتی خود بوده و از

ویژگی جهادی بودن نیز برخوردار باشند. درس آموزی از خطاها موجب پیشرفت می‌شود آن چیزی که باعث پیشرفت انسان‌ها می‌شود درس‌آموزی از خطاها و اشتباهات است و نمی‌توان گفت اصلاً اشتباه نمی‌کنیم؛ زیرا آن کسی که اصلاً اشتباه نکند نمی‌تواند پیشرفت کند.

منابع و مأخذ:

مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۲۲.

مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۲۵.

مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۱۵.

مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۱۰.

ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران، مجموعه گفتارهایی از شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، گفتار نهم، سیدمحمد حسینی بهشتی، ارزش‌تشکل برای دانشجو، واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی.

فصلنامه‌ی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره‌ی ۶.

فصلنامه‌ی تخصصی علوم انسانی اسلامی، شماره‌ی ۱۰، تابستان ۹۳.

پاسدار اسلام مهر ۱۳۸۵، شماره ۲۹۸.

آیت‌الله مکارم شیرازی: کتاب اخلاق در قرآن.

سایت آیت‌الله مکارم شیرازی، جوادی آملی و شهید مطهری